

شعبه بازی با آرای باطله!

آیا وزارت کشور آمار ۴ میلیون رأی باطله را به تفکیک اعلام کرده است؟ در این صورت بقیه روی برگه چه نوشته‌اند. اساسا وزارت کشور چنین وظیفه‌ای دارد یا ایشان حدس می‌زنند و به چنین عددی رسیده است؟

به گزارش سایت خبری پرسون، مهرداد خدیر نوشت: یک عضو ارشد حزب مؤتلفه اسلامی مدعی شده «در انتخابات اخیر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار رأی از آرای باطله به محمود احمدی‌نژاد رییس جمهوری پیشین و نامزد تأیید نشده اختصاص یافته» و بر این اساس نتیجه گرفته «میزان پایگاه او همین قدر است» و توضیح هم داده «تازه همین هم به خاطر عملکرد دولت نخست او ۸۴ و ۸۸- بوده» است.

آقای حمید رضا ترقی آنگاه حضور او در مجمع تشخیص مصلحت نظام را به عنوان نماینده دو میلیون و ۷۰۰ هزار رأی باطله قابل تحمل دانسته «چون در نظام هضم شده است».

عضو ارشد مؤتلفه در عین حال از طعنه به اصلاح طلبان غفلت نکرده و یادآور شده همین تعداد رأی باطله احمدی‌نژاد البته از آرای عبدالناصرهمتی بیشتر بوده است.

به این بهانه می‌توان نکات و سؤالاتی را طرح کرد:

۱. آیا احمدی‌نژاد از حامیان وهواداران خود خواسته بود در انتخابات شرکت کنند و نام او را به رغم رد صلاحیت، روی برگه بنویسند و به صندوق بیندازند؟ در این صورت چرا خود شرکت نکرد و رأی نداد؟

۲. آیا وزارت کشور آمار ۴ میلیون رأی باطله را به تفکیک اعلام کرده است؟ در این صورت بقیه روی برگه چه نوشته‌اند؟ اساسا وزارت کشور چنین وظیفه‌ای دارد یا ایشان حدس می‌زنند و به چنین عددی رسیده است؟ اگر ادعای حمید رضا ترقی درست باشد محتوای بقیه آرای باطله هم باید مشخص باشد.

حال آن که آنچه منتشر شده بیشتر جنبه نمادین داشته یا خود فرد عکس گرفته یا احیانا چنان متفاوت و جذاب بوده که احتمالا شمارنده‌ای در فضای مجازی گذاشته است. مثل تصویر برگه‌ای که روی آن نوشته شده بود: «من رییس جمهور نمی‌خواهم، من شوهر می‌خواهم!» و در برگه دیگر هم ویژگی‌ها و صفات مورد نظر برای همسر مطلوب را فهرست کرده بود (به جای اسامی ۲۱ نامزد شوراها!)

۳. اگر فردی بر اساس ثبت نام‌های اولیه و بی توجه به اطلاعیه‌های نصب شده نام کاندیداهای تأیید نشده دیگر مانند علی لاریجانی، اسحاق جهانگیری، مصطفی تاج زاده و مسعود پزشکیان را نوشته باشد باز هم می‌توان گفت پایگاه آرای آنان همین قدر است یا مختص احمدی‌نژاد است؟!

۴. عضو ارشد مؤتلفه از این فرصت استفاده کرده و طعنه زده که آرای باطله محمود احمدی‌نژاد از آرای مأخوذه عبدالناصر همتی بیشتر بوده است.

این در حالی است که آقای همتی نامزد رسمی جبهه اصلاحات نبود و تنها برخی از احزاب و چهره‌ها به منظور روشن نگاه داشتن شمعی در عرصه رقابت و در ۴۸ ساعت آخر حمایت کردند.

تیمی که داور بازیکنان اصلی آن را اخراج کرده و برای حفظ آبروی برگزار کننده مسابقه با بازیکن ذخیره به میدان رفته و زمین را ترک نکرده حالا باید طعنه بشنود!

۵. مقایسه آرای باطله با آرای صحیح به لحاظ قانونی مثل این است که تعداد گل‌های پذیرفته نشده یک تیم معیار برتری دانسته شود. هر چند همه می‌دانند آرای باطله با هر محتوا و نیز آرای همتی مجموعا اعتراضی تلقی می‌شوند و نیز فاصله نرخ مشارکت با نرخ متوسط و در مجموع تلفیقی از اعتراض و دل سردی و بی توجهی‌اند.

۶. راست گرایانی که در انتخابات آزاد و رقابتی معمولا بختی ندارند و آرای آنان از ۲۵ درصد فراتر نمی‌رود علاقه دارند رقبای خود را که پیش‌تر با فاصله بسیار پیروز شده بودند تحقیر کنند. با همین نگاه است که آقای ترقی دوست دارد پایگاه احمدی‌نژاد را به محدود و منحصر به آرای باطله به اسم او بداند و پایگاه اصلاح طلبان را محدود و منحصر به آرای همتی که در زمره ۱۴ نامزد جبهه اصلاحات هم نبود.

با این وصف جای این پرسش باقی می‌ماند که پس این همه ردصلاحیت و قلع و قمع برای چه بود؟ می‌گذاشتید بیایند خوب. جدای این که مگر همین آقای احمدی‌نژاد برکشیده خودشان نبود؟

۷. درست ۲۰ سال پیش و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ که سید محمد خاتمی با ۲۱ میلیون و ۶۵۹ هزار و ۵۳ رأی پیروز شد و احمد توکلی و علی شمخانی در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند، شمار آرای باطله (۴۹۲ هزار و ۷۵۹ برگ) از آرای نامزدهای محافظه کار یا عضو یا مرتبط با مؤتلفه (عبدالله جاسبی، سید محمود کاشانی، حسن غفوری فرد و علی فلاحیان) بیشتر بود.

در آن انتخابات روزنامه رسالت که عملاً ارگان مؤتلفه بود کوشید شمار رأی نداده‌ها را به حساب منتقدان خاتمی بگذارد حال آن که روشن بود نسبتی با محافظه کاران و اصول گرایان ندارند.

اکنون اما از یک سو به ۵۲ درصد از جمعیت ایران که پای صندوق رأی حاضر نشده اند اشاره نمی شود و از جانب دیگر با ادعای ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار رأی باطله به نام محمود احمدی نژاد یک نامزد خیالی و شکست خورده می سازند تا آرای باطله به یک میلیون و ۳۰۰ هزار کاهش یابد. فرض کنیم ۱۰۰ هزار نفر روی برگه نوشته باشند: داریوش اقبالی خواننده! لابد آقای ترقی آن را هم نشانه پایگاه اجتماعی او می دانند و شاید دلیل هم بیاورد: اگر به ایران برگردد و در ورزشگاه آزادی کنسرت بگذارد این تعداد بلیت می خرند!

۸. آقای ترقی به عدد ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بسنده نکرده و نیت خوانی هم کرده و گفته به خاطر عملکرد دولت اول احمدی نژاد بوده است. مگر ذیل برگه‌ها دلیل هم ذکر می‌شده که ایشان به این نتیجه رسیده است؟ با این منطق لابد کسانی که نیامده‌اند هم به خاطر عملکرد ۸۸ تا ۹۰ یا ۹۰ به بعد بوده است!

۹. با توجه به علاقه ویژه این فعال سیاسی یادآوری میزان آرای کاندیدای اختصاصی مؤتلفه در انتخابات سال ۹۶ هم خالی از لطف نیست. آن دیگر باطله نبود و مأخوذه و صحیح بود و از حمایت صریح و رسمی برخوردار: سید مصطفی میرسلیم با ۴۸۷ هزار و ۲۶۷ رأی معادل ۱.۱۶ درصد.

۱۰. هر چند می‌توان این نوع تحلیل را واکنش به رفتار احمدی نژاد با مؤتلفه در دوران ریاست جمهوری و پذیرفتن دعوت آنان در مراسم سالانه و نقدهای عبدالرضا داوری در روزنامه دولت در سال های ۹۰ تا ۹۲ دانست اما اگرهمچنان بخواهند تحقیر کنند بعید نیست واکنش دور از انتظاری از او سرزند.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: عصر ایران